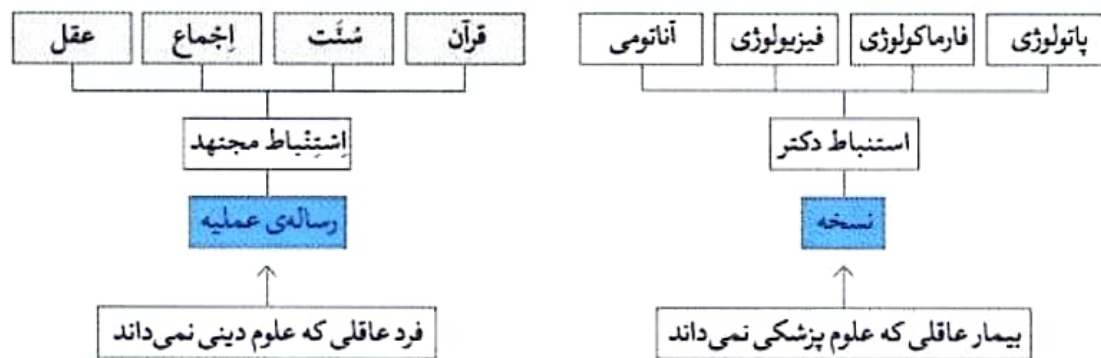


گفتنی است که قدرت اجتهاد و پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی مردم، حاصل سال‌ها رنج و تلاش خستگی‌ناپذیر است. شیخ مرتضی انصاری رحمته یکی از مجتهدان عالی‌مقام و از مفاخر مکتب اسلام که راه پرفراز و نشیب اجتهاد را پیموده است، در کتاب رسائل می‌گوید: «رَزَقَنَا اللَّهُ الْإِجْتِهَادَ الَّذِي هُوَ أَشَدُّ مِنْ طَوْلِ الْجِهَادِ»؛ خدا به ما توفیق اجتهاد دهد؛ اجتهادی که از جهاد مداوم سنگین‌تر و پرهزمت‌تر است!.



اجتهاد و تقلید از دیدگاه معصومان علیهم‌السلام

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام علاوه بر گشودن باب اجتهاد به روی فقیهان و تشویق آنان به فتوا دادن بر محور قرآن و سنت، عموم مردم را به مراجعه به فقیهان برای گرفتن پاسخ پرسش‌هایشان دعوت می‌کردند.

در حقیقت می‌توان گفت که باب تقلید و رجوع به فقیه را خود حضرات معصومین علیهم‌السلام بنیان نهاده و همواره به آن توصیه نموده‌اند.

عبدالله بن ابی یغفور می‌گوید: «به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: نمی‌توانم خدمت شما برسم و از شما سؤال کنم؛ در حالی که افرادی (شیعیانی) از اصحاب (شما) می‌آیند و پرسش دارند و من قادر به پاسخ دادن نیستم. حضرت فرمودند: چه چیز تو را از پرسش کردن از محمد بن مسلم باز داشته است؟ او (مسائل دینی را) از پدرم آموخته و پدرم به ایشان اعتماد داشته است»^۱.

علی بن مسیب می‌گوید: «به حضرت رضا علیه‌السلام عرض کردم: منطقه‌ی ما منطقه‌ای دور است و توان آن را ندارم در همه‌ی اوقات نزد شما بیایم و مسائل دینی خود را از شما سؤال کنم. آن حضرت فرمود: زکریا بن آدم قومی مورد اطمینان ما در دین و دنیا است. علی بن مسیب می‌گوید: هنگام بازگشت، نزد زکریا بن آدم رفتم و مسائل مورد نیاز خویش را از او پرسیدم»^۲.

دعوت ائمه به فراگیری مسائل شرعی و آموزه‌های دینی و نیز پرسش و تقلید از فتوای عالمان شیعه، دعوت به تقلیدی آگاهانه است؛ چرا که در بینش ایشان، حرکت بدون علم حرکتی است در بیراهه جهل. امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند: «هرکس بدون بینش و علم، کاری انجام

۱. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۸۳، ش ۲۷۳.

۲. بهار الأنوار، ج ۲، ص ۲۵۱.

دهد، همانند رونده‌ای است که در بیراهه حرکت می‌کند؛ هر چه سریع‌تر حرکت کند از مقصد دورتر می‌شود.^۱

همچنین در سخنان امامان معصوم علیهم‌السلام به طور صریح اداره‌ی حکومت و هدایت مردم در امور شرعی به فقیهان سپرده شده است. امام حسین علیه‌السلام فرمودند: «رهبری مردم در امور اجتماعی و احکام اسلامی به دست علما و دانشمندان الهی است».^۲

و در عصر غیبت امام زمان علیه‌السلام نیز طبق ادله‌ی عقلی و نقلی و به توصیه‌ی امامان معصوم علیهم‌السلام باب اجتهاد و تقلید باز خواهد بود و روند تقلید از نمایندگان آن بزرگواران ادامه خواهد داشت.

حضرت مهدی علیه‌السلام در توقیع^۳ شریف و معروف خود به اسحاق بن یعقوب به عنوان یک قاعده‌ی کلی، این چنین می‌نگارد: «...در پیش آمدهایی که رخ می‌دهد، به راویان احادیث ما (فُقُها) مراجعه کنید که آنها حُجَّت من بر شمايند و من حُجَّت خدايم».^۴

پیامدهای تقلید نکردن

۱. نفوذ اجانب: تاریخ ثابت کرده است که همواره یکی از موانع نفوذ اجانب و استعمارگران، پیروی از مجتهدان جامع الشرایط بوده است. آنان همواره سدّی در برابر مطامع استعمارگران بوده‌اند.
۲. تحیر و سرگردانی: از پیامدهای زیان بار تقلید نکردن، تحیر و سرگردانی مُکَلَّفان است. آنان که خود مجتهد و کارشناس اسلام نیستند، در برابر پرسش‌های دینی نمی‌توانند پاسخ مناسبی بیابند و در حیرت و سرگردانی می‌مانند.
۳. بدعت و سلیقه گرایی: اگر پیروی از مجتهدان نباشد، هرکسی به دلخواه خود عمل خواهد کرد و بدعت و عقاید سست و بی‌پایه بر امور مردم حاکم می‌شود.
۴. بطلان عمل: کسی که مجتهد نیست و در کارهای دینی خود از کارشناسان دینی پیروی نمی‌کند، اعمالش مبنای صحیحی ندارد و باطل است؛ حتی گاهی ممکن است برخلاف نظر و فتوای همه‌ی مراجع تقلید باشد. چنین کسی در اعمالش هیچ‌گونه حُجَّتی نزد خدای متعال ندارد؛ چرا که برای اعمال خود دلیل و برهانی ندارد.
۵. از دست دادن منافع احکام: تمام دستورهایی که در قرآن و سنّت آمده، در بردارنده‌ی منافع و خوبی‌هایی است؛ همان طور که در محرمات و کارهای ناپسند مفاسدی نهفته است. پس اگر انسان در تمام صحنه‌های زندگی به دستورهای دینی گوش فرا دهد و از گناهان دوری کند، جان و وجودش جایگاه مصالح و خیرات می‌گردد و از مفاسد و بدی‌ها در امان خواهد ماند.

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۳، باب من عمل بغير علم.

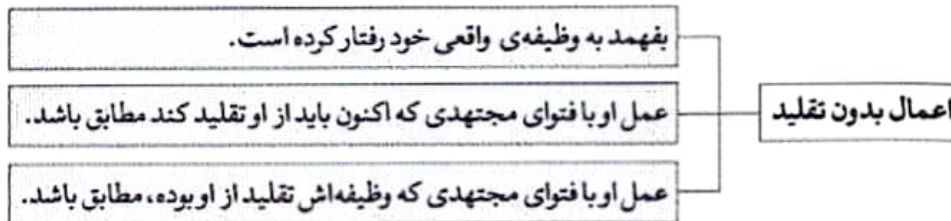
۲. تحف العقول، ص ۲۳۸.

۳. توقیع: در لغت به معنای فرمان، دستخط، امضا و در کتب شیعی به معنای نامه‌ها و فرمان‌هایی است که از طرف امام زمان علیه‌السلام می‌رسند. [برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید].

۴. وسائل الشیعة، ج ۲۷، باب ۱۱، ح ۹.

اعمال بدون تقلید

م. اعمالی که انسان بدون تقلید انجام داده، در یکی از این سه صورت صحیح است:



م. تقلید در اصول دین و مسائل اعتقادی جایز نیست؛ بلکه انسان در اصول دین باید یقین به اصول اعتقادات داشته باشد.

توجه

مراد از تقلیدی نبودن اصول دین این است که هر کس باید عقاید دینی را با یقین و حجت بپذیرد. رسیدن به این مرحله در افراد، متفاوت است. بیشتر انسان‌ها بر اساس همان فطرت اولیه، ایمان یقینی به وجود خداوند دارند و یا بر اساس عقل فطری خویش، براهینی بسیار ساده و درعین حال محکم، بر وجود خدا اقامه می‌کنند (مانند پیرزنی که از راه چرخ نخ‌ریسی بر وجود خدا دلیل آورد و پیامبر ﷺ آن را مورد تأیید قرار داد). بنابراین تحقیقی بودن اصول دین، لزوماً به معنای جست‌وجوی وسیع و بررسی همه‌ی ادله و شبهات پیرامون آنها و پاسخ به آنها نیست؛ البته برای برخی از افراد، چنین تحقیقاتی لازم است؛ زیرا دفاع عقلانی از دین و معارف دینی، متخصصان برجسته‌ای می‌طلبد. این مسأله همگانی نیست و هر کس در حد توانایی خود و مسائلی که با آن رو به رو میشود، نیازمند تحقیق است.

تقلید در مستحبات و مکروهات

م. در مستحبات و مکروهات نیز باید از مجتهد جامع الشرایط تقلید نمود.

تقلید در احکام ضروری دین

م. تقلید در مسائل ضروری و قطعی دین مانند اصل وجوب نماز، روزه، حجاب و ... صحیح نیست.

نکته

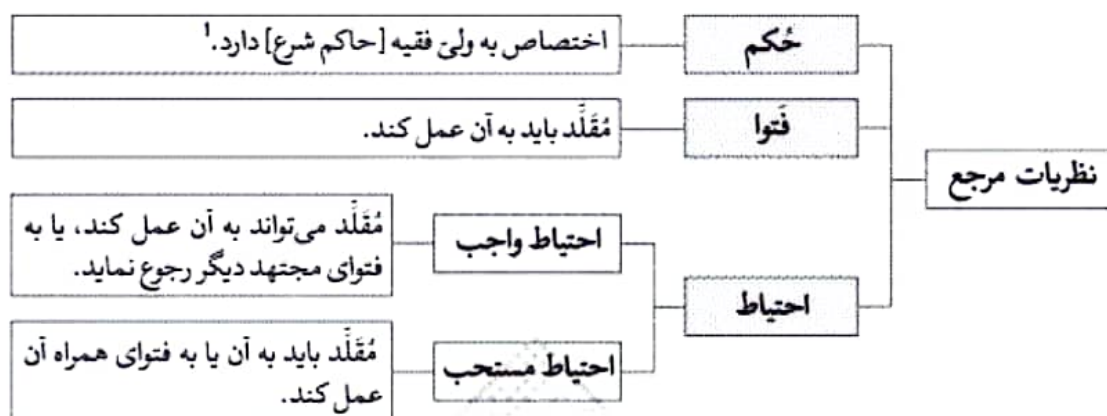
هر چیزی را که همه‌ی مسلمانان بدون تردید قبول دارند و جزء دین اسلام می‌شمارند و نیز حکمش برای همه‌ی آنان روشن است و هیچ‌گونه اختلافی در حکم شرعی آن ندارند، «ضروری دین» می‌نامند. حکم ضروریات، به صراحت در آیات و روایات ذکر شده است.

رجوع به فتوای مرجع دیگر

م. اگر مرجع تقلید در مسأله‌ای فتوا داده باشد، باید مطابق آن عمل کرد؛ ولی وقتی در آن مسأله احتیاط کرده باشد وظیفه‌ی مُکَلَّف به شرح زیر است:

احتیاط مستحب: مُقَلَّد باید به همان احتیاط یا به فتوای همراه آن عمل کند و نمی‌تواند در آن مسأله به مجتهد دیگر رجوع کند.

احتیاط واجب: مُقَلَّد می‌تواند به همان احتیاط عمل کند، یا به فتوای مجتهد دیگری که پس از آن مجتهد از دیگران اَعْلَم است عمل نماید.



نکته

احتیاط واجب: اگر دلیل یک مسأله‌ی شرعی، به طور صد در صد برای مجتهد روشن باشد، درباره‌ی آن مسأله به صراحت فتوا می‌دهد؛ ولی گاه به عللی از فتوا و نظر دادن خودداری کرده و احتیاط می‌کند. این عمل یا به جهت آن است که دلیل مسئله، به خوبی و به طور صد در صد برای او روشن نیست و یا این‌که نظر او با همه یا بیشتر فقها تفاوت دارد و به دلیل رعایت احتیاط و تقوا، برخلاف آنان فتوا نمی‌دهد و احتیاط می‌کند و یا به جهت عوامل دیگری که در کتاب‌های استدلالی ذکر شده است. این نوع خودداری از فتوا دادن را «احتیاط» گویند و در این مورد، مُقَلَّد یا باید به این احتیاط عمل کند و یا به فتوای مجتهدی که بعد از او اَعْلَم است، عمل نماید.

احتیاط مستحب: در جایی که مجتهد فتوای صریح دارد مثلاً بفرماید: یک بار تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نماز کفایت می‌کند و با وجود آن احتیاط می‌کند و می‌گوید: احتیاط آن است که سه مرتبه بگویند؛ این را «احتیاط مستحب» می‌گویند. عمل به این احتیاط واجب نیست؛ بلکه مستحب است.

نتیجه: اگر مرجع تقلید در مسئله‌ای فتوا نداشت و احتیاط واجب نمود، مُقَلَّد نمی‌تواند آن را ترک کند؛ بلکه می‌تواند به احتیاط واجب عمل نموده، یا در آن مسأله به مرجع تقلید دیگری - با رعایت «الأعلم فالأعلم»^۲ - رجوع کند. اگر احتیاط مستحب داشت، ترک عمل برای مُقَلَّد جایز است؛ اگر چه انجام دادن آن ثواب و پاداش دارد. بنابراین در احتیاط واجب، مُقَلَّد بین عمل به احتیاط مرجع خود، یا رجوع به نظر مرجعی دیگر مُخیر است؛ اما در احتیاط مستحب مُقَلَّد بین عمل به احتیاط مستحب، یا به فتوای همراه آن، مُخیر است.

۱. همه‌ی مسلمانان باید از اوامر ولایی و دستورات حکومتی ولی فقیه اطاعت نمایند [مانند: حکم حضرت امام خمینی رحمه الله در مورد اعدام سلمان رشیدی مرتد].

۲. مقصود آن است که مُقَلَّد می‌تواند به فتوای مجتهد دیگری که علمش از مرجع تقلید خودش کمتر و از مراجع دیگر بیشتر است، عمل کند. اگر مرجع دوم نیز در همان مسأله احتیاط واجب داشت، باز می‌تواند به مرجع سومی که علمش از مرجع دوم کمتر و از مراجع دیگر بیشتر است رجوع کند.